

(سا) در امتداد خط سیاه

-2-

نفی جنبش دموکراتیک نوین افغانستان به بهانه ء انتقاد از " اشتباهات و انحرافات "

گروه انقلابی خلق های افغانستان، در حرف و عمل در برابر جریان شعله جاوید قرار گرفته، و سازمان جوانان مترقی را به مثابه یک سازمان خاین به انقلاب و خرده بورژوازی رد نمود. نفی دست آورد های جریان سازمان جوانان مترقی و جریان تحت رهبری آن، چیزی سواى انحلال طلبی محض نبود. سا اینک پس از 41 سال میکوشد از تکه-پاره ء زرد انحلال طلبی "گروه انقلابی" دفاع نموده، و آنرا علم خود نموده است.

سا از یکسو مدعی است که حملات "گروه انقلابی" و داکتر فیض بر "رهبری" سازمان جوانان مترقی ناشی از اشتباهات "گروه" و داکتر فیض، و نتیجه ء دور شدن "داکتر" از تحلیل ماتریالیستی است. اما از سوی دیگر باز مدعی است که این "انتقادیون" و جریان "انتقادی" تحت رهبری "داکتر" بود که "اشتباهات و انحرافات" جریان و سازمان جوانان مترقی را به نقد کشید:

رفیق فیض احمد که زندگی پربارش را وقف زحمتکشان، رشد و تعالی جنبش انقلابی نموده بود، بعد از آنکه "جنبش دموکراتیک نوین" با اشتباهات و انحرافات بسیاری روبرو گردید، دیگر قادر به ادامه ء مبارزه با چنین حرکتی نبود، از آن جدا و "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" را به کمک عده ای از رفقای دیگر ایجاد نمود تا برای جنبش انقلابی کشور الترناتیو جدیدی ارائه و اعضای این جنبش را به دور آن جمع نماید (سا، 1389)

در صورتی که داکتر فیض در (با طرد اپورتونیسیم...) از تحلیل ماتریالیستی به دور رفته باشد، چگونه ممکن است که "اشتباهات و انحرافات" سازمان جوانان مترقی و جنبش دموکراتیک نوین را به نقد کشیده باشد؟

جالب این است که نقل بالا در بر دارنده ء یک (اعتراف) از سوی سا میباشدو آن اینکه: "رفیق فیض احمد... بعد از آنکه "جنبش دموکراتیک نوین" با اشتباهات و انحرافات بسیاری روبروگردید... از آن جدا و "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" را به کمک عده ای از رفقای دیگر ایجاد نمود"

آری! سا خود معترف است که از این به بعد حساب داکتر فیض و گروه تحت رهبری اش از حساب "جنبش دموکراتیک نوین" جدا گردیده است. این سخن به این معنی است که دیگر داکتر فیض و "گروه" اش را نباید در متن جنبش دموکراتیک نوین به بررسی گرفت! این است (اعتراف) جانانه! سوالی که پیدا میشود و سا باید پاسخ آنرا ارائه کند اینست که: در صورتی که داکتر فیض و "گروه" اش از جنبش دموکراتیک نوین افغانستان "جدا" گردیدند، چرا می بایست "برای جنبش انقلابی کشور الترناتیو جدیدی ارائه" دهند؟ از نگاه ما پاسخ آن است که: آنان میخواستند جنبش دموکراتیک نوین را از محتوای انقلابی و (نوین) اش خالی بسازند. زیرا که آنان جنبش دموکراتیک نوین را نفی نموده و از آن جدا گردیدند. الترناتیف آنها فقط مشی غیر پرولتری و سواى موید جنبش دموکراتیک نوین میتوانست بود و لاغیر.

"گروه انقلابی" در آغاز کتاب (با طرد اپورتونیسم...) خویش، (بریدن) خویش از جریان شعله جاوید را چنین بیان میدارد:

"رساله حاضر چکیده نظرات رفقای است که بیش از دو سال قبل از جریان شعله جاوید

بریده اند. انتشارش بخاطر آن است تا ما اختلافات خویش را با خط مشی "سازمان جوانان مترقی" که جریان را رهبری میکرد، در سطح وسیعتری بمنظور آگاهی بیشتر توده های روشنفکر و خلق و ایجاد پیوندی رزمنده با آنان جهت پیشروی در راه انقلاب، مطرح نموده باشیم." (افغانستان & گروه انقلابی، 1352، ص. آغاز کتاب)

آیا میتوان میان فراز فوق که صراحتاً و با "شجاعتی تام" از "بریدن" از جریان شعله جاوید یاد میکند، با ادعای میان تهی و دروغین سال مبنی بر اینکه داکتر فیض " در اعتلای شعله جاوید از دل و جان کوشید." مناسبتی قایم کرد؟ هرگز! نوشته "گروه انقلابی" سیلی های کشتار و آبداری است بر عذار زرد سا. آیا جز این است که سا کمر به تحریف تاریخ گذشته و خویش بسته است؟

"گروه انقلابی" کلیت جریان دموکراتیک نوین و سازمان جوانان مترقی را "اپورتونیستی میخواند:

"سازمان جوانان مترقی" (س-ج-م) جریان "شعله جاوید" را با نام اندیشه مائوتسه دون براه انداخت که به اثر فقدان جنبش مارکسیستی-لنینیستی در گذشته و نازل بودن سطح آگاهی روشنفکران از م-ل-ا در مدت کوتاهی سیلی از روشنفکران بطرف این جریان به اصطلاح پیرو اندیشه مائوتسه دون، ضد رویزیونیسم و خواستار انقلاب قهرآمیز، رو آوردند. اما "س-ج-م" با خط مشی ایدئولوژیک و سیاسی منحرفش به م-ل-ا برخورد ضد انقلابی نموده و صدمات جدی فراوانی بر پیکر انقلاب میهن ما وارد ساخت.

ما نیز مشتاقانه و با حرارت "جریان دموکراتیک نوین" را قبول کرده بودیم. لیکن با گذشت زمان و بالا رفتن نسبی درک رفقا از اندیشه مائوتسه دون و مطالعه تجارب مبارزات کمونیست های کشور های مختلف توانستیم به ماهیت اپورتونیستی "س-ج-م" و جریان به رهبریش پی ببریم. رفقا به بررسی و بحث ها پرداخته و با غنی تر ساختن شناخت خویش از "شعله جاوید" در زمینه ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی، در سال 1351 بمبارزه ای رویاروی علیه "رهبران" و گردانندگان جریان "شعله جاوید" تصمیم گرفتند و علیرغم لجن پاشیها و سبک برخورد ضد کمونیستی "رهبران" با رهنما قرار دادن اندیشه مائوتسه دون موفق شدند از اپورتونیسم "شعله جاوید" بریده و بین راه بورژوایی و راه پرولتاریایی حد فاصل ایجاد نمایند. (افغانستان & گروه انقلابی، 1352، ص. پیشگفتار)

قسمی که می خوانید، "گروه انقلابی" جریان شعله جاوید را اپورتونیستی اعلام داشته و آنرا "راه بورژوایی" می خواند. حال اگر ادعای ساا مبنی بر "اعتلای شعله جاوید بوسیله داکتر فیض احمد" را "بپذیریم" نتیجه این میشود که: داکتر فیض احمد (راه بورژوایی) شعله ء جاوید را اعتلا بخشیده است!

پر واضح است که "گروه انقلابی" عکس آنرا میگوید و اعلام میدارد که "بین راه بورژوایی" شعله جاوید و "راه پرولتاریایی" خودش میخواد "حد فاصل ایجاد" نماید.

ادامه دارد.